

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۹۶-۱۶۳



روابط هند و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک

اسداله کاوه^۱ / طاهره محمدی^۲

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد شرق آسیا a_kaveh86@yahoo.com
^۲. کارشناس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی tmohammadi85@yahoo.com
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۲/۲۰)

چکیده

رقابت میان بازیگران متعدد، تلاش برای همکاری بین‌المللی و نگاه تجدیدنظرطلبانه مهمترین ویژگی‌های دوران گذار در روابط بین‌الملل هستند و شناخت کنش میان بازیگران عمده و مهم در این دوران اهمیت زیادی برای درک نظام بین‌الملل و اقدام مؤثر در آن دارد. چین و هند با توجه به ویژگی‌های داخلی خود به عنوان مهمترین و قدرتمندترین کشورهای آسیا و به‌عنوان دو قدرت نوظهور، نقش غیر قابل انکاری در تجدیدنظر در نظم جهانی را دارند. روابط میان هند و چین، همواره شاهد فراز و فرودهای متعدد بوده است. گاهی افزایش حجم روابط تجاری، همکاری‌های دفاعی و نظامی مانند برگزاری رزمایش مشترک و افزایش سفرهای مقامات عالیرتبه دو کشور همکاری دو غول آسیایی را پررنگ‌تر کرده است؛ گاهی نیز تنش در مرز مشترک، تلاش در اعمال نفوذ در افغانستان، آسیای مرکزی و اقیانوس هند و همچنین مسابقه تسلیحاتی میان دو کشور، وجه رقابت را پررنگ‌تر کرده است. بطور حتم حضور شی جین‌پینگ و نارندرا مودی به عنوان رهبران مقتدر و ملی‌گرای دو کشور، روابط میان هند و چین را نسبت به سال‌های گذشته متمایز کرده‌اند و هر دو طرف در پی آنند که علاوه بر تأمین حداکثری منافع و تحدید منافع یکدیگر با استفاده از ابزارهایی مانند ائتلاف با کشورهای ثالث و نفوذ به مناطق تحت سلطه یکدیگر، از تشدید بحران در روابط فی‌مابین بکاهند.

▪ واژگان کلیدی

چین، هند، رقابت، همکاری، شی جین‌پینگ، مودی.

مقدمه

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، دنیا همچنان در دوران گذار به سر می‌برد. در دوره جدید، جهان شاهد رقابت میان بازیگرانی است که در تلاش برای تحمیل نظم مورد نظر خود بر جهان هستند. از یک سو ایالات متحده آمریکا درصدد تحمیل نقش و جایگاه خود به عنوان تنها ابرقدرت است و از سوی دیگر بازیگران دیگری مانند چین، هند، اتحادیه اروپا و روسیه خواهان نظام چند قطبی هستند. گرچه در بین دولت‌ها، عمده‌ترین بازیگر کماکان ایالات متحده است، اما رهبری جهانی آمریکا با چالش‌های جدی روبرو شده و آمریکا ناگزیر به همکاری بین‌المللی شده است. آنچه که مورد قبول همه طرف‌هاست این است که در شرایط حاضر همه کنشگران جهانی صرف‌نظر از میزان قدرت خود، نگاه تجدیدنظرطلبانه به وضع موجود داشته و در پی شکل‌دهی به وضع مطلوب براساس منافع خود هستند تا از این طریق با حفظ موقعیت، به سهم بیشتر و ارتقای جایگاه دست یابند.

در شرایط فعلی، قدرت جهانی هند و چین با توجه به ویژگی‌های داخلی و قدرت روزافزون اقتصادی و نظامی افزایش قابل توجهی داشته و ارتباط میان این دو غول آسیایی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ هرچند کمتر توجهی به روابط این دو کشور شده است. شباهت‌های زیادی مانند گذراندن فرایند مدرنیته برای تبدیل شدن تمدن‌های باستانی به قدرت‌های نوظهور، در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای، نیروی انسانی عظیم، بودجه نظامی فزاینده، تلاش برای نفوذ در اقیانوس هند، خلیج فارس، آفریقا، آسیای مرکزی و غربی میان این دو کشور وجود دارد.

اما تفاوت‌ها نیز مشهود است. هند و چین دو مدل توسعه‌ای متفاوت برای کشورهای درحال توسعه به حساب می‌آیند. چین حکومت کمونیستی با ساختاری متمرکز معتقد

به اصلاحات از بالا بوده و در حال حاضر دومین اقتصاد دنیا را براساس تولید ناخالص داخلی داراست. این کشور بزرگترین ارزش دنیا را در اختیار دارد و بودجه نظامی آن در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۰ دو برابر شده است.^۱ هند نیز با در اختیار داشتن بزرگترین دموکراسی جهان، بیشترین رشد اقتصادی را طی سال‌های گذشته به خود اختصاص داده است. این دو کشور در مجموع بیش از ۳۶ درصد جمعیت جهان را در اختیار دارند. از این رو در حالی که جهان روز به روز بیشتر تحت تأثیر افزایش نفوذ سیاسی و رشد اقتصادی شگفت‌آور این دو قدرت آسیایی قرار می‌گیرد، بررسی وضع موجود روابط دوجانبه و چگونگی مدیریت آن بر صلح و آرامش منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت دارد.

اگر چه روابط دیپلماتیک و اقتصادی چین و هند در سال‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشته است، اما بهبود نسبی در تعاملات، نتوانسته به حوزه‌های امنیتی و سیاسی تسری پیدا کند و دو کشور همچنان در مسائل امنیتی، سیاسی و استراتژیک، یکدیگر را با لنز عدم اطمینان می‌نگرند و اختلافات میان دو کشور، همچون آتش زیر خاکستر بر روابط فی‌مابین تأثیر می‌گذارد.

نظرسنجی مؤسسه لووی^۲ در سال ۲۰۱۳ نشان داد که ۸۳٪ از هندی‌ها، چین را بزرگترین تهدید امنیتی خود می‌دانند و ۷۰٪ فکر می‌کنند هدف چین تسلط بر آسیا است (Jacobson and Medcalf, 2015). نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو^۳ در سال ۲۰۱۴ نیز نشان داد که تنها ۳۰٪ هندی‌ها به چین نگاه مثبت دارند. در مقابل نیز ۳۰٪ چینی‌ها به هندی‌ها با نگاهی مثبت می‌نگرند. در عین حال ۵۰٪ چینی‌ها به آمریکا به دیده مثبت نگاه می‌کنند (Pew, 2014).

^۱ بودجه نظامی چین در سال ۲۰۱۶، ۹۵۴،۳۵ میلیارد دلار بوده است؛ این در حالی که این مبلغ برای سال ۲۰۱۰، ۵۳۲،۱۲ میلیارد دلار بوده است.

^۲ Lowy Institute

^۳ Pew Research Center

روابط دوجانبه با نوعی عدم توازن در درک از تهدید شکل گرفته است. بسیاری از مقامات امنیتی هند، چین را به خاطر ترس از هژمونی این کشور، تهدیدی بزرگتر از پاکستان می‌دانند. در مقابل چین نیز به هند با نوعی نفرت و عدم علاقه می‌نگرد. روزنامه دولتی گلوبال تایمز چین در موارد بسیاری از هند با عناوینی مانند "هند یک قدرت بزرگ تراز اول نیست" و "هند توسط آمریکا و ژاپن برای مقابله با چین گمراه شده است" یاد می‌کند.

مقاله حاضر تلاش دارد با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دست اول و تجارب کاری نویسندگان در حوزه جنوب و شرق آسیا، به این سوال پاسخ دهد که چگونه هند و چین روابط تنش‌آلود خود را مدیریت می‌کنند؟ و به دنبال یافتن علل اصلی و زمینه‌های رقابت استراتژیک و همکاری میان دو دولت است. بطور معمول به زبان فارسی مطالعات بسیار کمی در حوزه چین‌شناسی صورت پذیرفته است. ناآشنایی با زبان چینی، فقدان مراکز پژوهشی و بنیاد تخصصی چین‌شناسی و تأکید بر روابط صرفاً تجاری کشورمان با چین در نزد مراکز دولتی از جمله عواملی هستند که سبب ایجاد خلأ در این حوزه مطالعاتی بسیار مهم شده است.

در مطالعات هند نیز تنها شاهد برخی مطالعات با توجه به علاقمندی نویسندگان و یا بررسی نوع نگاه هند به موضوعات منطقه‌ای مانند افغانستان و پاکستان هستیم. آنچه که در سال‌های گذشته بخش‌های پژوهشی و دانشگاهی کشور شاهد آن هستیم، اشاره به قدرت نوظهور چین و هند، روابط با آمریکا و سیاست‌های آنها در قبال پاکستان و افغانستان بوده است و بطور مشخص به روابط دوجانبه دهلی‌نو و پکن پرداخته نشده است. لذا تمرکز این مقاله بر واکاوی و تحلیل چگونگی روابط دو کشور بوده و فرضیه اصلی مقاله آن است که نگرانی هند از تنگنای استراتژیک و اقدامات چین در افزایش مؤلفه‌های قدرت خود از دلایل تنش و رقابت استراتژیک در روابط دو دولت است؛ اما هر دو کشور تلاش دارند تا این تنش به منازعه و درگیری منجر نشود و نقش رهبران دو

کشور و همکاری‌های اقتصادی فی ما بین از ابزارهای اصلی مدیریت این روابط بوده است.

۱. مروری بر روابط دوجانبه از پایان جنگ جهانی دوم تا سپتامبر ۲۰۱۷

روابط چین و هند از زمان آغاز رسمی آن در آوریل ۱۹۵۰ میلادی، شاهد فراز و فرودهای متعددی بوده است. هند به‌عنوان یکی از اولین کشورهای غیرسوسیالیستی- که از آگوست ۱۹۴۷ میلادی از بریتانیا مستقل شده بود-، جمهوری خلق چین را - که از اکتبر ۱۹۴۹ با حاکمیت مطلق حزب کمونیست تأسیس شد- به رسمیت شناخت. این روابط در طول حدود ۷۷ سال گذشته از همزیستی مسالمت‌آمیز تا جنگ را به خود دیده است و این دو قدرت آسیایی موضوعات متعددی را در روابط دوجانبه در نظر دارند. در بافت روابط دو کشور می‌توان نقاط عطف را به شرح ذیل خلاصه نمود:

۱. دوره همکاری از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ میلادی: این دوره کوتاه، دوره همکاری میان دو کشور بوده که مشارکت در برگزاری کنفرانس باندونگ^۱ در سال ۱۹۵۵ میلادی و توافق بر ۵ اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط فی‌مابین (احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و همکاری برای منافع متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم تهاجم متقابل) از جمله نقاط برجسته بوده است (دفتری، ۱۳۶۹: ۵۰).

۲. جنگ ۱۹۶۲: در دوره همکاری نیز اختلافات میان دو کشور وجود داشت که طرفین برای حل آنها بصورت مسالمت‌آمیز تلاش نمودند اما فضای عدم اعتماد میان طرفین با جنگ ۱۹۶۲ به اوج خود رسید. اشغال تبت و الحاق آن به خاک چین در سال ۱۹۵۰ میلادی، اجتناب چین از به رسمیت شناختن خط مک ماهون- مرز تعیین شده

^۱ کنفرانس باندونگ یک کنفرانس آسیایی- آفریقایی بوده است که با شرکت ۲۹ کشور جهان در شهر باندونگ اندونزی برگزار شد. بیشتر کشورهای شرکت کننده، کشورهای تازه استقلال یافته بودند که به منظور همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی و ضدیت با استعمارگرایی و همچنین استعمار نو ایالات متحده گرد هم جمع شده بودند.

توسط بریتانیا در سال ۱۹۱۴ میلادی ما بین هند و تبت - به عنوان مرز رسمی دو کشور، ادعای چین مبنی بر حمایت هند از شورشیان تبت در سال ۱۹۵۹ و اعطای پناهندگی سیاسی به دالایی لاما - رهبر بودائیان تبت - و تشکیل دولت در تبعید تبتی در هند، از جمله دلایلی است که طرفین به عنوان دلایل جنگ از آن یاد می کنند. جنگ مذکور با شکست تحقیرآمیز هند به پایان رسید و اختلافات مرزی نیز همچنان لاینحل باقی ماند (فرزین نیا، ۱۳۸۹: ۱۷).

۳. دوره تنش و سردی روابط از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۶: پس از جنگ، تهدید به درگیری شدید از بین رفت و طرفین به صورت غیر رسمی به خط کنترل احترام گذاشتند. همچنین دو دولت هزاران سرباز در مناطق مرزی مستقر کردند و تلاش‌هایی برای بهبود زیرساخت‌ها انجام دادند. افزایش اختلافات ایدئولوژیک میان چین و شوروی، نزدیکی روابط هند و شوروی و امضای پیمان دوستی میان آنها در سال ۱۹۷۱، آغاز دیپلماسی موسوم به "دیپلماسی پینگ پونگ"^۱ میان چین و ایالات متحده و همچنین افزایش قابل توجه همکاری‌های چین و پاکستان، جانبداری چین از پاکستان در جریان جنگ‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ میان هند و پاکستان و اتحاد میان دو کشور به عنوان یک اتحاد ضد هندی از مهمترین رویدادهای این دوره به شمار می آید.

چرخش مثبت در روابط از ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۸: برغم مخالفت شوروی، دولت ایندیرا گاندی^۲ از سال ۱۹۶۹ تلاش‌هایی را برای بهبود روابط با چین آغاز کرد؛ اما تا سال

^۱ Ping-pong Diplomacy این اصطلاح به زمانی برمی گردد که آمریکا و چین در سال ۱۹۷۱ اولین پیام‌ها برای برقراری مجدد روابط را بررسی می کردند. در همان زمان تیم پینگ پونگ چین در رقابت‌های بین‌المللی در ژاپن شرکت می کند و موضوع رویارویی با تیم آمریکا مورد توجه و بررسی مقامات ارشد چین قرار می گیرد. مانو رهبر چین نیز دستور می دهد که از تیم ملی آمریکا برای سفر به چین دعوت بعمل آید. این مسأله مطابق با سنت معمول دیپلماسی چین است که در چند سطح و لایه مختلف اهداف دیپلماسی را دنبال می کند که در آن زمان یکی از این سطوح، دیپلماسی پینگ پونگ بوده است (کسینجر، ۱۳۹۱، ۳۱۵).

^۲ Indira Gandhi وی تنها نخست وزیر زن هند و تنها دختر جواهر لعل نهرو بوده است. او در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ و ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ نخست وزیر هند بود. خانم گاندی در اکتبر ۱۹۸۴ توسط دو محافظ خود که از فرقه سیک‌ها بودند، ترور شد.

۱۹۷۶ پاسخی از سوی چین دریافت نشد. پس از مرگ مائو در چین، جانشین او، دنگ شیائوپینگ، به این نتیجه رسید که تیرگی روابط با هند، به نزدیکی بیش از پیش دهلی نو به شوروی منجر خواهد شد. از این رو دو کشور در این سال، مجدداً پذیرای سفرای متقابل شدند و دنگ در جریان سفر راجیو گاندی نخست وزیر هند به چین در سال ۱۹۸۵ اعلام کرد: «بیایید گذشته را به فراموشی سپرده و دوستی را احیاء کنیم» (Mahmoud, 2007: 7). از این رو دو کشور در خصوص ایجاد چارچوب همکاری دو جانبه توافق نمودند. مهم‌ترین تغییر در روابط دو کشور پس از سال ۱۹۷۶، افزایش قابل توجه حجم روابط تجاری از ۱۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷، به ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ بوده است (Athwal, 2008: 25).

۴. دومین آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۹۸: پس از سفر راهگشای راجیو گاندی در سال ۱۹۸۵ به پکن، رابطه هند و چین یک فرآیند تدریجی عادی شدن را تجربه کرده و وارد مرحله جدیدی شد. فروپاشی اتحاد شوروی موجب شد که روند گذار در سیاست خارجی چین با فاصله گرفتن از رقابت‌های جنگ سرد به سوی تمرکز بر روی اصلاحات اقتصادی حرکت کند (اسمال، ۱۳۹۶: ۸۶). در نوامبر ۱۹۹۶، رئیس‌جمهور چین جیانگ زمین در اولین دیدار رسمی یک رهبر چین، به هند سفر کرد. در جریان این دیدار، چین و هند قراردادی را در خصوص موضوعات مرزی امضا کردند که براساس آن دو طرف بر کاهش توان نظامی و شبه نظامی در سرتاسر خط مرزی فعلی اقدام کرده و هرگونه فعالیت نظامی که کشور دیگر را متأثر سازد، منع کردند (Mahmoud, 2007: 10). این سفر خبر از تحولی می‌داد که آسیای جنوبی را دستخوش تحولات عدیده می‌کرد. سیاست چین در آسیای جنوبی به طور پیوسته به سوی وضعیتی حرکت می‌کرد که پکن آن را سیاستی متوازن تر می‌خواند (Heginbotham, Eisenman, Mitchell, 2015: 146).

اما روی کار آمدن ائتلاف بی.جی.پی در هند و آزمایش اتمی هند موسوم به پخران^۱، تشدید اختلافات و تنش در روابط را موجب شد. برخلاف آزمایش اول، دومین آزمایش اتمی هند معروف به پخران ۲ در ۱۳ می ۱۹۹۸ واکنش‌های زیادی را در پی داشت. واجپائی^۲ نخست وزیر هند در نامه‌ای به رئیس جمهور وقت آمریکا- که پس از آزمایش اتمی هند توسط نشریه نیویورک تایمز منتشر شد- از تهدید چین و افزایش توان هسته‌ای پاکستان به عنوان مهم‌ترین دلایل ارتقای توان اتمی کشور خود یاد کرد: «ما دارای یک دولت هسته‌ای اعلان شده در همسایگی خود هستیم که در سال ۱۹۶۲ به تجاوز نظامی علیه هند دست زد. هر چند روابط ما با آن کشور طی سال‌های گذشته بهبود یافته است، اما فضای بی‌اعتمادی به دلیل مشکلات لاینحل مرزی همچنان باقی است. آنچه این بی‌اعتمادی را افزون می‌کند، این است که آن کشور به همسایه دیگر ما، کمک‌های شایانی برای تبدیل شدن به یک دولت هسته‌ای کرده است» (Eckholm, May 1998). از سوی دیگر، فرناندز وزیر دفاع هند نیز طی یک سخنرانی شدیدالحن، چین را دشمن شماره یک هند خطاب کرد. واکنش پاکستان، اقدام به آزمایش اتمی موسوم به چاگای ۲ در ۲۹ و ۳۰ می همان سال بود. چینی‌ها نیز ضمن شرم‌آور خواندن این اقدام دهلی‌نو، آن را به مثابه اهانت به خواست جامعه بین‌المللی در تحریم جامع آزمایش‌های هسته‌ای قلمداد کردند و از ریاست دوره‌ای خود بر شورای امنیت سازمان ملل برای تصویب قطعنامه ۱۱۷۲ در جهت محکوم کردن آزمایش هسته‌ای در آسیای جنوبی، تقاضای توقف برنامه‌های هسته‌ای هند و پاکستان و اجتناب از مسلح شدن به سلاح هسته‌ای استفاده کردند (فرزین نیا، ۱۳۸۸: ۲۲). چین همچنین نشست گروه کاری مشترک دو کشور در نوامبر ۱۹۹۸ را ملغی اعلام کرد. فشارها بر دهلی‌نو و تلاش برای منزوی کردن این کشور، موجبات عقب‌نشینی هند از مواضع خود در قبال چین را فراهم آورد و این کشور درصدد توسعه مجدد روابط با پکن برآمد.

^۱ Pokhran-II

^۲ Vajpayee واجپایی یکبار به مدت ۱۳ روز و یک دوره از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ نخست وزیر هند بوده است.

کارشناسان از آزمایش اتمی چین در اکتبر ۱۹۶۴ و ترس از چین دارای سلاح هسته‌ای، به‌عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه برنامه اتمی هند یاد می‌کنند. پس از آزمایش چین، گفتگوهای زیادی در جامعه و حکومت هند در خصوص در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای شکل گرفت اما نتیجه مشخصی حاصل نشد. اما پس از مرگ جواهر لعل نهرو در می ۱۹۶۴ به‌عنوان مهم‌ترین مخالف بمب اتمی در هند، دهلی‌نو استراتژی هسته‌ای خود را با در نظر گرفتن دو اصل ضمانت از دولت‌های بزرگ و انفجار زیرزمینی و پروژه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای به اجرا درآورد. اولین آزمایش اتمی هند در می ۱۹۷۴ انجام شد اما در آن زمان با توجه به سیاست دولت خانم ایندیرا گاندی برای نزدیکی به چین، در خصوص انگیزه هند از دستیابی به سلاح هسته‌ای صحبتی به میان نیامد. علاوه بر ترس از چین، حرکت سمبلیک در افزایش وجهه بین‌المللی، ارتقای جایگاه رهبران در سیاست داخلی، توسعه روبه رشد برنامه هسته‌ای و موشکی پاکستان و سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی را می‌توان از دیگر دلایل هند برای توسعه برنامه اتمی خود نام برد.

۵. توسعه مجدد روابط از ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳: عقب‌نشینی آشکار هند از مواضع خود در خصوص تهدید قلمداد کردن چین، دو دولت را مجاب کرد تا سیاست توسعه مجدد روابط را در پیش گیرند. از این رو، دو طرف توافق کردند سینگ^۱ وزیر خارجه هند برای رایزنی در خصوص موضوعات مشترک و آغاز گفتگو در خصوص مسائل امنیتی در ژوئن ۱۹۹۹ به چین سفر کند. در پی این سفر، سفرهای متقابل مقامات دو کشور نیز برگزار شد؛ مهم‌ترین آنها سفر شش روزه واچپائی نخست وزیر هند به چین در ژوئن ۲۰۰۳ بود. در جریان این سفر، دو کشور پس از دو دور مذاکره، اعلامیه‌ای را به امضا رساندند که اهداف و برنامه‌های روابط دوجانبه را مشخص و جزئیات همکاری دو طرف را بیان می‌کرد. در این سفر هند برای اولین بار تبت را به‌عنوان بخشی از خاک چین برسمیت شناخت و چین نیز با اعلام آشکار سیکیم به‌عنوان بخشی از خاک هند، با تجارت با این

¹Singh

کشور از طریق سبکیم موافقت نمود. همچنین دو طرف نماینده‌ای ویژه با مأموریت یافتن چارچوب یک راه‌حل مرزی و نظارت بر ساختار سیاسی مذاکرات مرزی تعیین کردند (Yuan, 2007: 134). دو سال بعد در دیدار نخست وزیر چین از هند، دو دولت اعلامیه‌ای صادر کردند که بر روابط آنها به‌عنوان یک مشارکت استراتژیک و همکاری برای صلح و آرامش تأکید داشت. همچنین در نوامبر ۲۰۰۶ هجری شمسی رئیس‌جمهور چین به هند سفر کرد و امضای ۱۳ قرارداد، اعلام استراتژی ۱۰ شاخه‌ای جهت افزایش همکاری و ارتقای روابط استراتژیک و برنامه افزایش حجم روابط تجاری دوجانبه به بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰، ماحصل این سفر بود. نتیجه رفت‌وآمد مقامات عالی‌رتبه طرفین، گسترش فزاینده حجم روابط تجاری (۷۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶) و تلاش دو کشور برای حل صلح‌آمیز مناقشات مرزی بوده است؛ هر چند این مناقشات هنوز بصورت لاینحل باقی مانده‌اند.

۶. ادامه فراز و فرود در روابط از ۲۰۱۳ تا نیمه اول ۲۰۱۷: تلاش‌های دو دولت برای توسعه روابط پس از آزمایش هسته‌ای هند، تأثیر عمیقی بر گسترش روابط داشت و پس از سال ۲۰۱۳ نیز، دو کشور همواره بر گسترش روابط و هدف‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلار در روابط تجاری تا سال ۲۰۲۰ تأکید نمودند. لی کچیانگ نخست وزیر فعلی چین در سخنرانی خود در شورای هندی امور جهانی^۱ در می ۲۰۱۳، اعلام داشت: «هیچ کشوری نمی‌تواند همسایگان خود را انتخاب کند و یک قوم و خویش دور ممکن است به اندازه یک همسایه نزدیک سودمند نباشد. چین و هند با وجود یک شریک آماده دم دست نباید در پی همکاری از راه دور باشند» (اسمال، ۱۳۹۶: ۸۶).

هر چند از سال ۲۰۱۳، سفرهای متقابل مقامات عالی‌رتبه، مانند سفر رئیس‌جمهور چین به هند در سپتامبر ۲۰۱۴ و سفر نخست وزیر هند به چین در می ۲۰۱۵ و ملاقات سران دو کشور در حاشیه اجلاس‌های بین‌المللی مانند جی ۲۰ و بریکس، قابل توجه

^۱ Indian Council of World Affairs

بوده است؛ اما اختلافات و نگرانی‌های طرفین نسبت به یکدیگر مانند مناقشات مرزی، نگرانی چین از حضور دالایی لاما و سایر رهبران تبت در هند، نگرانی هند از اقدام چین در ساخت سد بر روی رودخانه براهماپوترا^۱، موضوعات سایبری، نگرانی دهلی‌نو از اشتیاق سریلانکا، بنگلادش و بوتان به گسترش روابط با چین در چارچوب ایده کمربند-راه، گسترش روابط چین با پاکستان و منافع فزاینده پکن در اقیانوس هند، نگرانی چین از روابط روبه گسترش هند با آمریکا و کشورهای آسیا-پاسیفیک (ژاپن، استرالیا و ویتنام) بر روابط دو کشور سایه افکنده است اگرچه برخی از این موضوعات جدید نیستند و ریشه تاریخی دارند، اما رویکرد رهبران و تلاش آنها برای تحدید منافع یکدیگر ادامه‌الگوی فراز و فرود در روابط را در پی داشته است.

در یک نگاه اجمالی به روابط چین و هند پس از پایان جنگ سرد، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مناقشات مرزی به‌عنوان میراث استعمار بریتانیا بر روابط دو کشور سایه افکنده و همچنان ادامه دارد. تغییر قابل توجه در روابط دو کشور به زمان روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ پس از مرگ مائو در چین بازمی‌گردد که از آن زمان به سیاست درهای باز یاد می‌شود؛ آزادسازی اقتصاد در چین توسط دنگ تأثیر بسزایی در روابط دو کشور داشت. هر چند آزمایش موسوم به پخران روابط دو کشور را به شدت متشنج نمود، اما چرخش هند و سفر واپچائی در سال ۲۰۰۳ به چین، به ارتقای روابط دوجانبه خصوصاً در حجم روابط تجاری منجر شد. با توجه به نقش تغییر نگاه چین و رویکرد جدید این کشور به سیاست خارجی از زمان روی کار آمدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ و همچنین رویکرد دولت مودی به روابط دوجانبه، در ادامه به اصول سیاست خارجی دو دولت اشاره خواهد شد.

¹Brahmaputra

۲. اصول سیاست خارجی هند و چین و تأثیر آن بر روابط دو جانبه

شی جین‌پینگ (رئیس‌جمهور چین از سال ۲۰۱۳ تاکنون) و نارندرا مودی (نخست‌وزیر هند از سال ۲۰۱۴ تاکنون)، هر دو جایگزین رهبران محتاط و فاقد کاریزمای سیاسی در کشور خود شدند. هر دو با حرکت در مسیر ملی‌گرایی، به عنوان رهبرانی قدرتمند در کشور خود شناخته می‌شوند و با ایده‌های خود در جهت کسب حداکثری منافع هستند تلاش برای تقویت روابط با همسایگان در آسیای جنوبی و به خصوص تأکید بر تحکیم روابط هند و چین در اوایل به قدرت رسیدن، از دیگر مشابهت‌های این دو رهبر سیاسی محسوب می‌شود. شی و مودی تلاش دارند تا با اعمال نوعی مدیریت در روابط دو جانبه از ایجاد تنش در روابط دو جانبه خودداری کنند و در عین حال به رقابت با یکدیگر به خصوص در حوزه آسیا-پاسفیک ادامه می‌دهند.

۲-۱. سیاست خارجی چین در دوره شی جین‌پینگ

تحولات دوره معاصر خصوصاً دوران پس از اصلاحات سال ۱۹۷۸ به چین آموخته است که برای دستیابی به توسعه، بیش از هر چیز به فرصت نیاز دارد تا در سایه حفظ امنیت و ثبات داخلی، در مسیر مورد نظر خود تا زمان دستیابی به توازن قوا در عرصه جهانی گام بردارد. از سال‌های پس از دوران اصلاحات، سیاست‌گذاران چین استراتژی سیاست خارجی خود را بر مبنای پنج هدف مشخص کردند: رشد و توسعه اقتصادی، مقابله با محدودیت‌های آزادی عمل چین در نظام بین‌الملل، رفتار منعطف و اطمینان‌خاطر دادن به همسایگان، گسترش و تنوع‌بخشی در دسترسی به منابع طبیعی و کاهش توان تاپوان در فضای بین‌المللی (فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

هر چند در نگاه برخی از کارشناسان، سیاست خارجی انفعالی دوره‌های قبل به سیاست خارجی فعال در دوره شی جین‌پینگ تبدیل شده است، اما با نگاهی به رفتارهای چین مشخص می‌شود تغییر محسوس در اهداف سیاست خارجی چین هویدا نشده است. در واقع چین بدنبال فرصت مناسب بوده تا رویکرد واکنشی خود را به

تهاجمی تبدیل نماید؛ تغییر رفتاری که با مدیریت انحصاری شی و چابک‌سازی سیستم تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور بیش از گذشته آشکار شده است. آقای شی در این دوره ضمن کم کردن نقش وزارت امور خارجه چین و به تبع آن شورای دولتی در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، افراد رده بالای حزب را در شورای سیاست خارجی زیر نظر کمیته مرکزی حزب و با ریاست خود به این امر واداشته است. از این رو به نظر می‌رسد رویکرد چین در دوره فعلی، تهاجمی رفتار کردن است. مطرح شدن ایده‌هایی مانند رؤیای چینی و کمر بند - راه^۱ توسط رئیس‌جمهور چین، افزایش ساخت سازه‌های نظامی در دریای چین جنوبی، تأسیس بانک توسعه زیرساخت آسیایی^۲ تغییرات گسترده در ارتش چین و تقویت نیروی نظامی و دریایی و همچنین استفاده از اهرم‌های اقتصادی در رابطه با اتحادیه اروپا، آفریقا، آمریکای جنوبی و غرب آسیا شاهد این مدعا هستند (Cordesman and Colley, 2015:465)

در واقع، پکن با تکمیل فرآیند قدرت (دومین قدرت اقتصادی دنیا، تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۱۱۳۰۰ میلیارد دلار، رشد اقتصادی ۶/۷ درصدی در سال ۲۰۱۶، بودجه نظامی قریب ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ و چابک‌سازی ارتش و افزایش توانمندی نیروی دریایی) بعضاً تهاجمی رفتار می‌کند و به استقرار نیرو و تجهیزات در

^۱ ابتکار کمر بند اقتصادی جاده ابریشم جدید یا همان کمر بند - راه (belt-road Initiative) در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین پیشنهاد شد و اکنون به عنوان برند سیاست خارجی او شناخته می‌شود. این طرح ۶۵ تا ۷۰ کشور را درگیر خود کرده و هدف آن متصل کردن دو سوی توسعه یافته اوراسیا (چین از یک طرف و اروپا از طرف دیگر) و کمک به توسعه سریع‌تر کشورهای مابین این دو سوی اعلام شده است. دولت چین از این طرح به عنوان مدل جدیدی از همکاری بین‌المللی و حکمرانی جهانی بر پایه منشور ملل متحد و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز یاد می‌کند (خدای‌پور، ۱۳۹۶: ۲۶).

^۲ Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB): ایده این بانک متعلق به چین است و تفاهم‌نامه تأسیس بانک توسعه زیرساخت آسیایی در سال ۲۰۱۴ در پکن به امضا رسید. این بانک توسعه‌ای چندجانبه با هدف ترویج توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد ثروت و بهبود ارتباط زیرساخت در آسیا، رسماً از تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ با سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلار آغاز بکار کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز با دراختیار داشتن ۱.۶۳٪ سهام و ۲.۲۳ درصد حق رأی از شهریور ماه ۱۳۹۵ به عضویت این بانک درآمده است.

آفریقا (تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی) مشغول شده است. چین به تدریج در حال خیزش و خروج از چارچوب‌های صرفاً اقتصادی و تجاری است تا از ظرفیت‌های فرهنگی، امنیتی و نظامی خود برای افزایش نفوذ در منطقه پیرامونی و ماورای آن استفاده نماید.

با نگاهی به اسناد، موضع‌گیری‌ها و سفرهای خارجی مقامات چین، می‌توان اولویت‌های زیر را در سیاست خارجی چین مشخص کرد:

اولویت اول: رابطه با آمریکا در خصوص مسائل فی‌مابین (تجاری، اقتصادی، مسائل شرق آسیا و برخی موضوعات جهانی مانند امنیت سایبری)،

اولویت دوم: روابط با همسایگان،

اولویت سوم: روابط با اروپا (اهمیت تکنولوژی صنعتی اروپا برای چین)

اولویت چهارم: روابط با غرب آسیا، آفریقای جنوبی و آمریکای لاتین (جهت تأمین منابع انرژی مورد نیاز چین، فرصت سرمایه‌گذاری و بازار مصرف کالاهای چینی) (Brown, 2017).

به نظر می‌رسد مناسب‌ترین توصیف برای سیاست خارجی چین خصوصاً در قبال همسایگان، "ترکیبی از تهدید و خیرخواهی" است. چین با اقدامات خود- نه تنها در منطقه پیرامونی، بلکه در سایر نقاط جهان- این پیام را منتقل می‌کند که درصدد است به‌عنوان تنظیم‌کننده دستور کار جامعه جهانی شناخته شود و از همه ظرفیت‌ها برای رسیدن به جایگاه مناسب و در شأن خود استفاده کند. پکن طی سال‌های گذشته سیاست‌هایی را دنبال کرده تا مانع افزایش قوای دیگر قدرت‌های منطقه و یا تحدید پیشرفت آنان شود؛ حمایت همه‌جانبه و اتحاد استراتژیک با پاکستان به منظور مقابله با هند در همین راستا ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر همواره با سفرها و موضع‌گیری‌های خود بدنبال کاهش نگرانی همسایگان است تا مبادا آنها اقداماتی در جهت جلوگیری از افزایش نفوذ چین انجام دهند.

طی سال‌های اخیر، آسیای جنوبی شاهد توسعه منافع و نفوذ چین در این منطقه بوده است که این نفوذ با ابتکار کمربند - راه گره خورده است. شبکه‌ای از ابتکارات نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و امنیت انرژی موجب گسترش حضور نیروی دریایی چین در اقیانوس هند شده که ترس دهلی‌نو از محاصره را قوت بخشیده است. هرچند توسعه نفوذ چین در منطقه آسیای جنوبی موضوع جدیدی نیست و در طول نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی، پکن تلاش‌های مکرری برای ایجاد و توسعه روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و نظامی با کشورهای اطراف هند داشته است و این کشورها نیز همواره از کارت بازی چین برای توازن در مقابل هند استفاده کرده‌اند. از سال ۲۰۰۵، چین دستاوردهای زیادی در کشورهایی مانند نپال، سریلانکا و مالدیو داشته است. هر چند این سه کشور تحت فشار آمریکا و هند برای پذیرش دموکراسی قرار داشته‌اند و همزمان چین مشتاقانه از فضای خالی برای ایجاد همکاری‌های نظامی یا دیپلماتیک و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری و وام استفاده کرده است (Smith, 2016).

به‌عنوان نمونه، دولت نپال در حمایت از چین، بصورت قابل توجهی آزادی و فعالیت مهاجران تبتی را محدود کرده است. چین حضور گسترده‌ای در بنادر سریلانکا پیدا کرده و موافقت کرده است تا در مقابل داشتن حقوق و اختیارات گسترده در مورد تجهیزات و زیرساخت‌های حساس بندری، تسهیلات آسانی به دولت سریلانکا در مورد بازپرداخت وام‌های چین اعطا نماید. (Ibid) حضور چین در چیتاگانگ بنگلادش، خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری از بندر سیتوه در میانمار به کومینگ در استان ینان چین، و کانال در حال احداث جنوب تایلند (Yuan, 2017) همه از مواردی است که مدعای تلاش چین در توسعه حضور خود در آسیای جنوبی است.

هر چند اظهارات و سخنرانی‌های شی جین‌پینگ مملو از احترام و تعامل با هند است، اما سیاست‌ها و ابتکارات سیاست خارجی وی برای افزایش نفوذ به سمت غرب، حوزه‌های جدیدی از رقابت با هند را شکل داده است. به نظر می‌رسد پکن به خوبی دریافته است تنها کشور آسیایی که با استفاده از وسعت، منابع، مشخصات جمعیتی و

توان نظامی که می‌تواند تسلط چین بر جنوب آسیا را به چالش بکشد، هند است. هر چند اقتصاد هند کمتر از نیمی از اقتصاد چین است، اما رشد پیوسته هند نگرانی‌های چین را در پی داشته است. از این رو چین با نامشخص گذاشتن رویکرد خود در قبال هند، ایجاد مشکلات برای هند از طریق پاکستان، سرمایه‌گذاری و قراردادهای گسترده با همسایگان هند، مخالفت با عضویت دائم هند در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین مخالفت با عضویت این کشور در گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای^۱، چالش‌های پیچیده‌ای را برای دیپلماسی هند ایجاد کرده است.

۲-۲. سیاست خارجی هند در دوره مودی

هند در سیاست خارجی دو هدف عمده را دنبال می‌کند: ارتقاء و رشد اقتصادی و بازتعریف نقش هند در محیط پیرامونی و بین‌المللی. براساس اعلام بانک جهانی، رشد اقتصادی هند در سال ۲۰۱۶، ۷ درصد بوده است و در سه ماهه نخست ۲۰۱۷، سریع‌ترین رشد اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است. از جمله دلایل اصلی این روند رو به رشد، عملکرد قوی در حوزه تولید و خدمات این کشور است. براساس اعلام آنگتاد، هند در رتبه سوم جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۷ قرار دارد. هر چند سیاست خارجی این کشور در خصوص رشد اقتصادی موفقیت‌آمیز بوده است، اما هند توفیق چندانی درباره تعدیل و یا از بین بردن مهم‌ترین چالش تهدیدکننده موقعیت خود، یعنی پاکستان و اتحاد چین-پاکستان، نداشته است. علی‌رغم تلاش‌های دهلی‌نو برای انزوای پاکستان، اسلام‌آباد همچنان مورد توجه قدرت‌های بزرگ مانند

^۱ Nuclear Suppliers Group: این گروه با هدف جلوگیری از تبادل فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای به فناوری نظامی تشکیل شده است. این گروه در واکنش به برنامه‌های مخفیانه هند برای تبدیل مواد هسته‌ای وارداتی از آمریکا و کانادا به تسلیحات نظامی تشکیل شد. ۴۸ کشور عضو این گروه هستند. این گروه تنها کشورهایی را به عضویت می‌پذیرد که قبل از آن عضو NPT و یا منع آزمایش اتمی (CTBT) باشند (تسنیم، ۳۱ خرداد ۱۳۹۵).

آمریکا، چین و روسیه در صلح افغانستان قرار گرفته و هند اقدامات چین در منطقه پیرامونی را به‌عنوان تنگنای استراتژیک تلقی می‌کند.

با توجه به شرایط منطقه پیرامونی هند، اهمیت یافتن جنوب آسیا، تبدیل چین از یک قدرت منطقه‌ای به جهانی و کاهش اثرگذاری ایالات متحده آمریکا، مناظرات متعددی درخصوص فهم سیاست خارجی هند و راهبردهای این کشور برای بازتعریف نقش خود در محیط پیرامونی و بین‌المللی میان اتاق‌های فکر هندی درگرفته است. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند هند باید اصل واگذاری مسئولیت به دیگران در سیاست خارجی خود را کنار گذارد و بطور مشخص برای دستیابی به اهداف خود اقدام نماید. از این رو به اتحاد هند-پاسیفیک که توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شده است بسیار خوشبین هستند. این عده از صاحب‌نظران هندی اعتقاد دارند از آنجا که هند به تنهایی توانایی مقابله و رقابت با چین را ندارد، اتحاد هند-پاسیفیک متشکل از آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند می‌تواند بیش از گذشته تأمین‌کننده منافع هند باشد. به نظر می‌رسد طرح این اتحاد جایگزین دکترین آسیامحوری اوباما در دوران ریاست جمهوری است.

این عده اعتقاد دارند ژئوپلتیک آسیا در وضعیت پوست‌اندازی است و در نتیجه آن، ژاپن و هند مجبور به تغییر رفتار و افزایش بودجه و توانمندی و تسلیحات نظامی می‌شوند (Kapila, 2016). دهلی‌نو بر این اصل اعتقاد دارد که با توجه به قدرت روزافزون چین، ایالات متحده سیاست‌های تهاجمی را علیه این کشور اتخاذ می‌کند و از هند می‌خواهد در تأمین امنیت منطقه‌ای نقش پررنگ‌تری را به عهده بگیرد. این خط تحلیلی در مراکز مرتبط با حکومت و دولت هند بسیار پررنگ و پرتکرار است. هر چند سفر موفقیت‌آمیز ترامپ به چین در نوامبر ۲۰۱۷، نادرستی این تحلیل از روابط چین و آمریکا را نشان داد؛ در این سفر دولتمردان آمریکا نه تنها ادعاهای قبلی خود در خصوص روابط با چین و اعمال فشار بر چین برای تغییر در سیاست‌های تجاری این

کشور در رابطه با آمریکا را مطرح نکردند، بلکه در خصوص موضوعاتی مانند بحران شبه جزیره نیز توافق و فشاری بر چین وارد نشد.

در طرف مقابل، در بین مخالفین این اتحاد چهارجانبه، نگرانی‌هایی در خصوص خواسته طرفین از این اتحاد وجود دارد. به‌عنوان نمونه استرالیا با توجه به وابستگی اقتصادی به چین، و ژاپن نیز با توجه به مشغولیت‌های متعدد در بحران شبه جزیره، دریای چین و بخش شرقی دریای چین، تمایل جدی برای حضور در اتحاد نخواهند داشت. آمریکا نیز از کمک به هند و نام بردن از این کشور در استراتژی خود در قبال افغانستان به‌عنوان شریک راهبردی، مقصودی جز دستیابی به منافع خود ندارد و نگرانی‌های هند در اولویت بعدی برای آمریکا است. به همه اینها سردرگمی و نامشخص بودن استراتژی آمریکا در قبال آسیا را نیز باید اضافه کرد.

نارندرا مودی از زمانی که سر وزیر ایالت گجرات بود، تلاش کرده است روابط اقتصادی هند و چین را تقویت کند، اما برخلاف نخست وزیران پیشین هند، مواضع محکم‌تری نسبت به چین داشته است (Pant, 2016: 75). در دوره تبلیغات انتخابات در هند، مودی در سفر به ایالت آروناچال پرداش (مورد ادعای چین) گفت: "هیچ قدرتی نمی‌تواند آروناچال پرداش را برابرد. زمان تغییر کرده است... چین باید دست از توسعه‌طلبی خود بردارد" (Gottipati, 2014). مودی همچنین در جلسه آغاز نخست وزیری خود، رئیس دولت در تبعیدتبت را به این مراسم دعوت نمود و چندین پروژه زیرساختی و نظامی را در امتداد مرزهای خود با چین آغاز کرد. به علاوه سفرهای متعدد هیئت‌های رسمی از تایوان به هند علی‌رغم مخالفت پکن، نشان‌دهنده افزایش اعتماد به نفس دهلی نو در سیاست خود نسبت به چین است (Pant, 2017).

شروع دوره نخست وزیری مودی در هند از می ۲۰۱۴، شروعی طوفانی تحول در سیاست خارجی بود. تا پایان سال ۲۰۱۶، وی از ۳۶ کشور دیدار کرد که مهم‌ترین آن ۴ بار دیدار از آمریکا و سفر به چین در می ۲۰۱۵ بود. مودی اولویت اول دولت در سیاست خارجی را ارتباط با همسایگان قرار داد و بطور ویژه تلاش زیادی برای گسترش روابط با

چین کرد. اما برخی از صاحب‌نظران تأکید بدون قید و شرط بر ارتقای روابط با چین را با دوره نهرو در دهه ۵۰ میلادی مقایسه می‌کنند که در آن زمان به‌جای شناخت صحیح از مشکلات فی‌مابین خصوصاً مناقشات مرزی و تلاش در جهت کاهش منازعه، بر توسعه و همکاری دوجانبه تأکید می‌شد و نتیجه‌ای جز جنگ در سال ۱۹۶۲ نداشت. در مقابل عده‌ای نیز معتقدند اولویت دادن به همسایگان توسط دولت مودی نتیجه نگرانی از نفوذ روز افزون چین در کشورهای آسیای جنوبی و تلاش برای جلوگیری از پیشرفت چین در این منطقه است (Godbole, 2015). نگرش غالب در هند به رفتارهای چین در عرصه بین‌الملل خصوصاً ایده کمربندسراه، کاملاً بدبینانه است. آنها این استراتژی و اقدامات به ظاهر خیرخواهانه را اسب تروای پکن برای تحقق تمایلات استراتژیک می‌دانند و معتقدند راهبردهای اقتصادی چین، پوششی برای اهداف امنیتی، نظامی و سیاسی این کشور برای تفوق بر منطقه است

ابتکار دیگر هند در سیاست خارجی در دوره مودی، سیاست "عمل در شرق"^۱ است. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، دولت هند سیاست "نگاه به شرق" را در پیش گرفت که یک ابتکار اقتصادمحور برای رسیدن به بازارهای شرق آسیا بوده است و در بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴، تمرکز آن بر همکاری‌های دفاعی و استراتژیک بود. مودی در اجلاس آ.سه.آن در نوامبر ۲۰۱۴، اعلام کرد که سیاست نگاه به شرق، به سیاست عمل در شرق تبدیل شده است که هدف آن افزایش همکاری‌های استراتژیک و دفاعی با ژاپن، ویتنام، استرالیا و دیگر کشورها است. در واقع هند با تغییر این سیاست به دنبال افزایش نقش جهانی خود، ایجاد توازن در برابر چین و همچنین تعقیب منافع اقتصادی خود در حوزه آسیا-پاسفیک است (Rajendram, 2014: 4).

در قالب این طرح هند اقدامات گسترده‌ای مانند انجام مانور مشترک دریایی با استرالیا در سپتامبر ۲۰۱۵، گفتگوی سه جانبه با ژاپن و استرالیا در سطح وزرا در ژوئن

¹Act East

۲۰۱۵ در خصوص امنیت دریایی و بخش جنوبی دریای چین، گفتگوی سه جانبه با ژاپن و آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۵ و غیره ترتیب داده است.

با این حال با گذشت زمان، هند به این درک استراتژیک رسیده که فاصله زیادی در زمینه اقتصادی و نظامی با چین دارد و در حال حاضر پتانسیل لازم برای مقابله با چین را ندارد (Moorthy, 2017). لذا براساس اصل احتیاط، علاقه‌ای به ایجاد تنش و نزاع در روابط دوجانبه با همسایه قدرتمند خود ندارد و همانطور که اشاره شد در تلاش است برای تحدید منافع چین، با همسایگان این کشور از جمله ژاپن، کره جنوبی و ویتنام همکاری‌های گسترده اقتصادی و نظامی داشته باشد. اتکا به آمریکا مهم‌ترین اقدام هند برای مقابله با تنگنای استراتژیک چین است. تلاش هند برای حضور در مناطقی مانند چابهار و افغانستان، شکستن تصویر و تلاش چین برای محاصره این کشور است.

۳. زمینه‌های رقابت و همکاری چین و هند

در روابط میان هند و چین، زمینه‌های رقابت و همکاری بصورت توأمان وجود دارد. طی سال‌های گذشته روابط دو کشور، همکاری در زمینه موضوعات تجاری و همکاری‌های نظامی و دفاعی افزایش چشمگیری داشته است. شی جین‌پینگ در اولین سفر خود به منطقه آسیای جنوبی، پیش از سفر به پاکستان، در سپتامبر ۲۰۱۴، به هند سفر کرد و این نشان از تلاش دو طرف برای مدیریت روابط دوجانبه و افزایش همکاری‌ها بیش از کوبیدن بر طبل اختلاف‌ها دارد.

از این رو، تلاش می‌شود در وضعیت فعلی روابط دوجانبه، سه عامل همکاری در روابط تجاری و سرمایه‌گذاری و نظامی-دفاعی، رقابت ژئواستراتژیک، و اتحاد و ائتلاف با کشورهای دیگر مورد واکاوی قرار گیرد.

۱-۳. همکاری‌ها در زمینه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری و دفاعی - نظامی

طی سال‌های گذشته حجم تجارت میان هند و چین رشد قابل توجهی را داشته است. حجم روابط تجاری که در سال ۱۹۸۷ مبلغ ناچیز ۱۱۷ میلیون دلار بود، در شش ماه اول ۲۰۱۷ بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار بوده که سهم چین ۳۲ میلیارد و سهم هند ۸ میلیارد دلار می‌باشد. در این مدت هند ششمین مقصد برای کالاهای چینی است. حجم کل مبادلات طرفین در سال ۲۰۱۶، بالغ بر ۷۱ میلیارد دلار بوده که سهم هند، بیش از ۱۱ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۶، هند هفتمین واردکننده کالا از چین و بیست و هفتمین صادرکننده کالا به چین بوده است. عمده‌ترین کالای صادراتی هند به چین، الماس، پنبه، سنگ آهن، مس و مواد شیمیایی هستند. در جریان سفر نخست وزیر هند به چین در می ۲۰۱۵، ارتقای روابط تجاری به ۱۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ هدف گذاری شده است (National Bureau of Statistics of China, 2017).

همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در هند از آوریل ۲۰۰۰ تا دسامبر ۲۰۱۶، در مجموع بالغ بر ۱,۶ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که تنها در سال ۲۰۱۶، جمع کل سرمایه خروجی چین بیش از ۱۸۳ میلیارد دلار بوده است. چین پس از کشورهای موریتانی، سنگاپور، ژاپن، انگلیس و آمریکا در رتبه شش کشورهای سرمایه‌گذار در هند قرار دارد. سرمایه‌گذاری هند در چین در سه ماهه اول ۲۰۱۷ حدود ۷۰۵ میلیون دلار بوده است (Embassy of India, Beijing, 2017). بررسی این شاخص نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران دو کشور تمایل چندانی برای حضور در بازار طرفین ندارند که می‌توان از مبهم بودن راهبرد سیاست خارجی متقابل خصوصاً چین و زمینه‌های فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین دلایل سطح پایین سرمایه‌گذاری‌ها یاد کرد.

دو کشور تلاش کرده‌اند با همکاری در حوزه نظامی تا حدودی اعتماد را به روابط دو جانبه بازگردانند هر چند که در دوره شی و مودی این همکاری‌ها توجه قابل توجهی نداشته است. ارتش‌های چین و هند از سال ۲۰۰۷ همکاری‌های خود را آغاز کردند و

اولین رزمایش مشترک نظامی در این سال در استان کونمینگ چین برگزار شد. طی سال‌های بعد نیز رزمایش‌های مشترکی میان طرفین در بخش دریایی، زمینی و هوایی برگزار شده است. همچنین دهلی‌نو و پکن از ژانویه ۲۰۱۶، گفتگوهای مشترک در خصوص امنیت دریایی را آغاز کرده‌اند (Smith, 12).

۲-۳. رقابت ژئواستراتژیک

استراتژی دریایی چین و مناقشات مرزی مهم‌ترین نگرانی‌های دهلی‌نو در رقابت استراتژیک با پکن محسوب می‌شود. چین از تجربیات دریایی تاریخی خود سه درس را آموخته است: (۱) داشتن نیروی دریایی قوی برای حفاظت از سرزمین ضروری است؛ (۲) ملتی که اهمیت دریا را نفهمد، آینده‌ای نخواهد داشت؛ (۳) دولتی که توانایی دفاع از حقوق و مرزهای دریایی خود را ندارد، در طولانی مدت قدرت دریایی نخواهد شد (Athwal, 31). از این رو طی سالیان گذشته چین با تغییر در استراتژی دریایی خود، توانسته اقدامات متعددی را مانند ساخت اولین ناو هواپیمابر، برگزاری رزمایش‌های دریایی با کشورهای روسیه و ایران، شرکت در رزمایش‌های چندجانبه دریایی، ساخت و سازهای نظامی در دریای چین جنوبی و شرقی، حضور در بندر گوادر پاکستان و استقرار دو ناوچه جنگی در این بندر، تأسیس پایگاه دریایی در جیبوتی و حضور فعال در اقیانوس هند انجام دهد.

علیرغم توسعه قابل توجه در روابط دو کشور، مناقشات مرزی همچنان لاینحل باقی مانده است. از زمان سفر واچپائی نخست وزیر هند به چین در ژوئن ۲۰۰۳ که دو طرف نماینده‌ای ویژه با مأموریت یافتن چارچوب راه‌حل مرزی و نظارت بر ساختار سیاسی مذاکرات مرزی تعیین کردند، تاکنون ۱۹ دور گفتگو برگزار شده که آخرین آن در آوریل ۲۰۱۶ بوده است؛ اما نتیجه مشخصی نداشته است.

اختلافات مرزی که در دو منطقه جامو و کشمیر معروف به آکسای چین^۱ و آروناچال پرداش^۲ است و منجر به جنگ در سال ۱۹۶۲ شده بود، از ژوئن ۲۰۱۷ نیز منجر به تنش در روابط دوجانبه شده است. موضوع تنش جدید مربوط به آغاز عملیات راهسازی و امتداد جاده چین در منطقه دوکلام^۳ در نزدیکی مرز مشترک چین، هند و بوتان است. دولت هند مدعی است که طبق توافقات میان سه کشور، در این محدوده هرگونه عملیات جاده‌ای و تغییرات زیرساختی باید با توافق سه جانبه صورت پذیرد و با توجه به عدم پایبندی پکن به این توافق و بادرخواست بوتان، دهلی‌نو سه هزار نیروی نظامی به منطقه اعزام و با ورود به خاک چین مانع از عملیات راهسازی شده است. هند نگران است که ساخت‌وسازهای چین در حوالی مرز مشترک، تنها راه ارتباطی بخش‌های مرکزی این کشور به مناطق شمال‌شرقی را تهدید کند که این اتفاق در منطقه آکسای چین منجر به جنگ سال ۱۹۶۲ شد. نباید از این نکته مهم نیز غافل شد که هند در مناطق مرزی، از زیرساخت‌های مناسب برای درگیری نظامی احتمالی با چین برخوردار نیست (Rajagopalan, 2017).

به نظر می‌رسد روندهای موجود در دو کشور توانایی رهبران سیاسی پکن و دهلی‌نو را در حل مسائل مربوط به اختلافات مرزی و سرزمینی در آینده محدود می‌کند. بدبینی دوسویه و رشد ملی‌گرایی در دو کشور بر فضای سیاسی محدودی که به دنبال حل مناقشات مرزی است، تاثیر گذاشته است. در هند، ملی‌گرایی هندو و احساسات ضدچینی، و در چین شکل‌گرفتن نوعی نوملی‌گرایی، دو کشور را به سمت اتخاذ مواضعی غیرمنعطف درباره مسائل مرزی کشانده است.

از دیگر زمینه‌های رقابت چین و هند را می‌توان افزایش نقش فزاینده چین در افغانستان دانست. دولتمردان کابل، با توجه به نفوذ پکن بر اسلام‌آباد، تمایل دارند چین، پاکستان را برای کمک در فرآیند صلح در این کشور ترغیب نماید. چین نیز منافع

¹ Aksai Chin

² Arunachal Pradesh

³ Doklam

متعددی در افغانستان دارد: ایجاد یک منطقه حائل در اطراف چین، تضعیف پناهگاه‌های امن حزب اسلامی ترکستان و کاهش فعالیت‌های تروریستی در استان سین کیانگ، محافظت از ساختارها و امنیت ترانزیت ایده کمربند-راه، استفاده از منابع معدنی و نفتی افغانستان (پهلوانی، ۱۳۹۱: ۷۳۵) با توجه به دست برتر چین نسبت به سایر رقبا و از بین بردن نیاز حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی (Mohanty, 2017). به علاوه، چین به همراه پاکستان و روسیه مجموعه‌ای از گفتگوها برای فرایند صلح در افغانستان را شروع کرده و این مسأله موجبات نگرانی هند از آینده تحولات منطقه را فراهم نموده است (Kapila, 2016).

مورد دیگر در حوزه رقابت دو کشور به رقابت ایده کمربند-راه چین مربوط است. نگاه هند به این ایده کاملاً بدبینانه است و دولتمردان هندی عقیده دارند این ایده زمینه‌های تفوق و برتری چین بر منطقه را فراهم خواهد کرد. در ابتدای طرح ایده کمربند-راه، زمینه‌های همکاری میان دو کشور در قالب این ایده فراهم شد. کریدور چهارجانبه چین- میانمار- بنگلادش- هند^۱، که از شهر گون‌مینگ در استان یون ان چین آغاز و به کلکته در هند ختم خواهد شد، یکی از این طرح‌ها در قالب این ایده بوده است. اما با روی کار آمدن دولت مودی در هندوستان، همکاری در قالب این طرح با توجه به نگاه بدبینانه هند به ایده کمربند-راه، با کندی انجام می‌شود.

۳-۳. اتحاد و ائتلاف با کشورهای دیگر

احتمال بروز جنگ با پاکستان، تهدید چین در بلندمدت و مشارکت نظامی چین و پاکستان از دغدغه‌های مهم امنیتی هند هستند که برای دست یافتن به بازدارندگی حداقلی، در مسیر مشارکت راهبردی با بسیاری از کشورهای آسیا و اقیانوسیه که خطر ظهور قدرت چین را احساس می‌کنند، تلاش می‌کند و همچنان به اتحاد استراتژیک با

^۱Bangladesh- China- India- Myanmar (BCIM)

آمریکا، به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی خود، اتکا نموده است. این رویکرد هند در قالب «موازنه نرم» و نه ائتلاف نظامی تعریف می‌شود (Lal, 2006:139).

از سفر بیل کلینتون در آوریل ۲۰۰۰ میلادی به هند و به‌ویژه امضای موافقتنامه هسته‌ای غیرنظامی میان دو کشور، به‌عنوان آغاز مشارکت استراتژیک دو دولت یاد می‌شود. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، نگرانی‌های دوجانبه هند و آمریکا درباره چین، موجب نزدیکی این دو کشور از سال ۲۰۰۵ میلادی شده است. دلیل اصلی این مشارکت آن است که هند و آمریکا پس از فروپاشی شوروی و به‌ویژه حوادث ۱۱ سپتامبر، اختلاف نظر اساسی درخصوص تحولات بین‌المللی ندارند و از زمینه‌های مشترک فراوانی مانند همکاری‌های اقتصادی، لزوم همکاری درخصوص چالش‌های استراتژیک پیش‌رو مانند خیزش چین و تروریسم و قابلیت‌های نظامی هند خصوصاً در اقیانوس هند برای گسترش روابط برخوردارند.

نارندرا مودی مدتی قبل از انتخابات سال ۲۰۱۴، تمایل خود به تقویت هرچه بیشتر روابط با آمریکا نشان داده و هند و ایالات متحده را متحدان طبیعی خطاب کرد (Deshpande and Diwakar, 2014). وی از زمان تصدی این پست در سال ۲۰۱۴ تاکنون، ۵ سفر به ایالات متحده داشته که آخرین آن در ژوئن ۲۰۱۷ و دیدار با ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بوده است. طی اولین دیدار مودی از آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۴، او و اوباما موافقت کردند تا همکاری‌های ده ساله دفاعی میان دو کشور را تجدید کرده و اوباما بر حمایت آمریکا از عضویت هند در شورای امنیت تأکید کرد. در دیدار اوباما از هند در سال ۲۰۱۵، طبق گفته رسانه‌ها، ۴۵ دقیقه نخست ملاقات دو طرف با موضوع چین بوده است و هر دو طرف از پیشرفت نقش چین در شرق آسیا ابراز نگرانی کردند (Baker and Harris, 2015). همچنین فرماندهی نظامی آمریکا در پاسفیک^۱ نیز بصورت واضح در مارس ۲۰۱۵، اظهار داشت: «بخش جنوبی دریای چین جزء آب‌های بین‌المللی است و هند باید قادر به اجرای عملیات به صورت آزادانه در هر جایی که

^۱Pacific Command (PACOM)

می‌خواهد، باشد» (Scott, 2015). بر این اساس، بسیاری از استراتژیست‌های هندی اعتقاد دارند که اتحاد با آمریکا می‌تواند بزرگترین پشتوانه و تضمین در برابر مهم‌ترین تهدید بالقوه یعنی چین باشد.

در طرف مقابل، برخی از کارشناسان هندی اعتقاد دارند که نقش هند در این مشارکت استراتژیک، پیاده‌سازی برای آمریکا به منظور توازن قوا در مواجهه با چین است (Athwal, 2008: 125) و ممکن است در آینده کارت بازی هند دیگر مورد استفاده قرار نگیرد. از این‌رو تمایل به یک سیاست خارجی مستقل در هند برای جلوگیری از وجه‌المصالحه شدن میان آمریکا و چین در حفظ توازن ژئوپلیتیک و تأمین منافع حداکثری این کشور در حال تقویت است (Moorthy, 2017). با این حال رفتار مقامات هندی عکس این موضوع را نشان می‌دهد.

نوع روابط دو دولت هند و ایالات متحده به دلیل نیاز طرفین به یکدیگر است؛ با توجه به فاصله قابل توجه در شاخص‌های قدرت با چین، دهلی‌نو نیازمند حمایت آمریکا خصوصاً در بعد نظامی برای توازن قوا در مقابل چین است. آمریکا نیز به هند به عنوان شریکی مورد اعتماد نگاه می‌کند که می‌تواند با آن علیه چین در منطقه جنوب آسیا به توازن برسد (Cordesman and Colley, 2015: 502). اما با انتخاب ترامپ، نگرانی دولت هند از آینده روابط افزایش یافت و سیاستمداران هندی از موضع دولت ترامپ در قبال مسائل مورد علاقه دهلی‌نو مانند افغانستان، پاکستان و چین، مطمئن نیستند و از این رو آمادگی پذیرش رویکرد دلال‌مآبانه و تجاری دولت ترامپ را در مقایسه با رویکرد راهبردی دولت اوباما دارند (Joshi, 2017). هر چند معرفی هند به عنوان شریک استراتژیک و اقتصادی ایالات متحده در استراتژی جدید آمریکا در خصوص افغانستان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت مودی در سیاست خارجی این کشور تلقی می‌شود که تاحدودی نگرانی‌های این کشور را کاهش داده است.

از دیگر اقدامات دولت مودی، تقویت روابط راهبردی با ژاپن به عنوان یکی از پایه‌های سیاست عمل در شرق است. تا سال ۲۰۱۴، ژاپن میلیاردها دلار در منطقه

شمال شرقی هند به منظور ساخت ۱۲۰۰ کیلومتر جاده سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین در دریای آندامان^۱ و جزایر آندامان و نیکوبار^۲ نیز سرمایه‌گذاری عمده‌ای توسط ژاپنی‌ها صورت پذیرفته است (Lynch, 17). ایده AAGC^۳ که توسط نخست وزیران ژاپن و هند در نوامبر ۲۰۱۶ مطرح شد و برخی از کارشناسان از آن به‌عنوان رقیب ایده کمربندراه چین یاد می‌کنند نیز به‌عنوان عاملی مهم در ارتقای روابط طرفین است.

امضای توافقنامه همکاری در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در سال ۲۰۱۶ یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت مودی در روابط خود با ژاپن محسوب می‌شود که به هند این امکان را می‌دهد به فناوری‌های پیشرفته تولید برق دست یابد. همکاری در حوزه امنیت دریایی به خصوص به دلیل افزایش نقش چین در اقیانوس هند، و امضای دو توافقنامه دفاعی در خصوص تبادل فن‌آوری و تجهیزات دفاعی میان دو کشور از دیگر اقدامات دولت هند در روابط با ژاپن محسوب می‌شود (Chotani, 2017).

در طرف مقابل، نگرانی از اقدامات هند، نفوذ روزافزون آمریکا در منطقه، نیاز به انرژی و تأمین امنیت انرژی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی مهم‌ترین دلایل اتحاد میان چین و پاکستان می‌باشند. تا سال‌های متمادی حوزه‌های امنیتی، نظامی و سیاسی نقش پررنگی در روابط چین و پاکستان داشتند که به‌دلایلی مانند مدیریت رقابت با هند، توسعه همکاری در امنیت ترانزیت انرژی و بهره‌گیری از نفوذ پاکستان در کنترل جریان‌ات افراتی اسلامی در منطقه به‌عنوان اتحاد استراتژیک شناخته می‌شد. اما سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی چین در پاکستان خصوصاً بندر کراچی و بندر

^۱Andaman

^۲Nicobar

^۳Asia-Africa Growth Corridor(AAGC) که ارتباط میان آفریقا با هند و کشورهای جنوب شرق آسیا را برقرار می‌کند. ژاپن اعلام کرده در این پروژه ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خواهد کرد. در حال حاضر مطالعات آن در جریان است.

گوادر و همچنین کریدور اقتصادی چین- پاکستان^۱ سطح روابط را دارای عمق بیشتری کرده است و قدرت ژئواکونومیک چین در منطقه را افزایش داد.

هند بارها مخالفت خود با این کریدور را اعلام کرده و گذر این کریدور از بخشی از ناحیه مورد مناقشه پاکستان و هند (گیلگیت بلتستان) را بر خلاف اصل حاکمیت هند بر این منطقه و همچنین عاملی برای حضور نیروهای چینی در این منطقه می‌داند (Pant and Joshi, 2016: 63)؛ به گونه‌ای که حتی برخی از کارشناسان هندی معتقدند چین درصدد تغییر ترکیب جمعیتی این منطقه به نفع خود است (Saran, 2017). نگرانی اصلی دهلی نو از ناحیه تبدیل مناسبات تجاری و اقتصادی به مناسبات چندوجهی و تقویت همکاری‌های ژئوپلیتیک چین و پاکستان و محکم شدن جای پای چین در منطقه است که البته این نگرانی هند چندان بی‌مورد نیست. زیرا شواهد نشان می‌دهد چین با سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی گسترده در پاکستان، علاوه بر منافع اقتصادی در پی بهره‌برداری نظامی و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد اقیانوس هند و دریای عرب بدلیل موقعیت ژئواستراتژیک آنها است (Ranjan, 2017). پاکستان نیز با استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیک خود و همچنین نوع تعاملات در سیاست خارجی، به جهت توازن در ارتباط با ایالات متحده و به خصوص هند، منافع متعددی از این رابطه استراتژیک نصیب خود ساخته است.

^۱ China-Pakistan Economic Corridor: این کریدور در چارچوب ایده کمربند-راه است که پکن درصدد است تا سال ۲۰۳۰، ۱۵۰ میلیارد دلار در قالب این پروژه در پاکستان سرمایه‌گذاری کند. این کریدور به طول ۳۲۰۸ کیلومتر شامل بزرگراه، خط آهن و خط لوله می‌شود که شهر کاشغر در استان سین‌کیانگ را به بندر گوادر در پاکستان متصل می‌کند.

نتیجه‌گیری

روابط هند و چین در سال‌های اخیر در یک سطح و متقارن نبوده است و مانند گذشته عناصر همکاری و رقابت میان دو کشور همراه با هم تداوم دارد و البته رقابت با سرعت بیشتری پیش رفته است. در حالی که روابط دو کشور بصورت اقتصادی و دیپلماتیک از دهه ۱۹۹۰ میلادی، رشد بالایی داشته است اما این روابط عمیق سیاسی و اقتصادی، تنش‌های امنیتی و رقابت‌های ژئوپلیتیک میان هند و چین را از بین نبرده و موانع زیادی مانند اختلافات مرزی حل نشده، تضاد منافع در تبت، حمایت چین از رقیب سنتی هند یعنی پاکستان، رقابت‌های فزاینده در زمینه انرژی و ترانزیت آن، نفوذ منطقه‌ای و اتحادهای استراتژیک بر روابط دوجانبه سایه انداخته است. با توجه به حرکت جهانی شدن و رشد اقتصادی و همچنین افزایش قابل توجه توان نظامی، چین تهدید جدی از جانب هند احساس نمی‌کند، این درحالی است که هند ناامنی شدیدی از جانب پیشرفت‌های اقتصادی و اقدامات نظامی چین احساس می‌کند که نمونه آن نگرانی از ایده کمربندراه چین و سرمایه‌گذاری گسترده چین در پاکستان و بندر گوادر است. اما این بدان معنی نیست که چین می‌تواند از هند به عنوان یک قدرت در حال صعود چشم‌پوشی کند. راهبرد چین در سیاست خارجی و اقدامات این کشور مانند ایده کمربندراه و باز تعریف استراتژی نظامی خصوصاً در بخش دریا، یک پیام مشخص دارد و آن اینکه نقش این کشور در نظام بین‌الملل، از یک تابع دستور کار بین‌المللی به یک تنظیم‌کننده آن در حال تغییر است. چین در تلاش است تا اروپا، آمریکا و کشورهای آسیایی خصوصاً هند بدانند که یکن خواهان جایگاه مناسب به‌عنوان یک قدرت برتر و پیشرو در آسیا است. بسیاری از اتاق‌های فکر چین پس از روی کارآمدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳، بر این نکته تمرکز کردند که در گذشته استراتژی چین در اقیانوس هند، براساس میانه‌روی و حفظ وضع موجود بود، اما تغییر دینامیک روابط بین‌الملل، بازی فعال چین در مسائل منطقه را ضروری می‌سازد. از این رو است که هند احساس خطری از تنگنای استراتژیک دارد.

در طرف مقابل، دهلی‌نو با استفاده از پیشرفت خود در بخش خدمات و سرویس‌دهی و همچنین با استفاده از روابط با غرب و آمریکا از منظر کشور طرفدار دموکراسی و به‌عنوان یکی از اعضای کشورهای مشترک‌المنافع، راه حل مهار چین را در افزایش رشد صنعتی و اتحاد و ائتلاف با آمریکا و برخی از کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه مانند استرالیا، ژاپن، فیلیپین و ویتنام دیده است. هند تمایل جدی دارد که به‌عنوان یک قدرت جهانی بزرگ ظهور کند، پس تلاش می‌کند صعود چین را به چالش بکشد. اتحاد با آمریکا در این زمینه اهمیت حیاتی برای هند دارد.

در دوره اوپاما، روابط هند و آمریکا بسیار فعال و مثبت بود و آمریکا تلاش داشت با استفاده از اهرم هند، هژمونی اقتصادی و نظامی چین را مهار کند و هند نیز با استفاده از فناوری‌های غرب، نوسازی تسلیحات نظامی و تنوع بخشی به آن را دنبال نماید. اما برخلاف دوره قبل، و با توجه به عدم اطمینان دهلی‌نو از راهبرد دولت ترامپ در قبال پکن، دولت‌مردان هندی تاکتیک سیالیت و کثرت‌گرایی را در پیش گرفته‌اند و همزمان با برگزاری نشست‌های مشترک با روسیه و چین و همکاری نزدیک با این دو کشور در گروه بریکس از یک سو و نشست‌های چند جانبه با آمریکا، ژاپن و استرالیا از سوی دیگر، فضا سازی و توازن برای تأمین حداکثری منافع و امنیت خود را دنبال نمایند.

وضع موجود روابط حاکی از آینده پر از رقابت میان دو کشور است؛ رقابتی که هر دو به گسترش منافع ملی از طریق بازار فروش و رقابت صنعتی و خدماتی خواهد کشاند و در خفا به رقابت در گسترش نیروی نظامی قدرتمند منجر خواهد شد. اما هر دو کشور درصدد مدیریت روابط برای جلوگیری از بحران هستند و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و روابط تجاری و اقتصادی نیز به همین منظور است (PANT AND JOSHI, 2016:61). با توجه به شرایط گذار در نظام بین‌الملل، مدیریت میدان‌های رقابت میان این دو کشور برای کشورهای آسیایی و جهان اهمیت حیاتی دارد. مدیریت روابط دو طرف می‌تواند همزمان با رقابت ژئواستراتژیک، ثبات در روابط دوجانبه، موازنه قوا در شرایط گذار، امنیت آسیای جنوبی و امنیت ترانزیت کالا و انرژی را تضمین کند.

منابع

۱. اسمال، اندرو (۱۳۹۶)، "محور چین-پاکستان؛ ژئوپولیتیک نوین آسیا"، ترجمه: محمدحسین دهقانیان، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲. پهلوانی، مهرداد (۱۳۹۱)، "رویکرد بازیگران موثر در افغانستان، چالشی در برابر مذاکرات صلح با طالبان"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۳، صص ۷۴۲-۷۱۱.
۳. خدافلوی پور، علیرضا (۱۳۹۶)، "ابتکار کمربند- راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۴۹-۱۷.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، فرازی، مهدی (۱۳۹۰)، "موانع و فرصت‌های گسترش نقش چین در خاورمیانه"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۰۷.
۵. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)، "روابط هند و چین: همکاری و رقابت"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، صص ۴۶-۱۶.
۶. کسینجر، هنری (۱۳۹۱)، "چین"، حسین رأسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۱.
7. Athwal, Amardeep. (2008). "China-India Relation". New York: Routledge.
8. Baker, Peter. Harris, Gardiner. (2015). "U.S. and India Share Sense of Unease Over China," The New York Times, January 26 in: http://www.nytimes.com/2015/01/27/world/us-and-india-share-sense-of-unease-over-china.html?_r=1
9. Brown, Kerry. (2017) "What Beijing's Ring roads Say about China's Foreign Policy", south china morning post, in: www.scmp.com/week/asia/apinion/article
10. Cordesman, Anthony. Colley, Steven. (2015). "Chinese Strategy and Military Modernization in 2015: A Comparative Analysis". Center for Strategic and International Studies (CSIS).
11. Chotani, Vindu Mai. (2017). India-Japan ties: Getting a boost under Modi and Abe. Observer Research Foundation. November 01.
12. Deshpande, Rajeev. (2014). "I'm an outsider to Delhi and to politics as well, Narendra Modi says". The Times of India, May 6, 2014, <http://timesofindia.indiatimes.com/news/Im-an-outsider-to-Delhi-and-to-politics-as-well-Narendra-Modi-says/articleshow/34704071.cms>.
13. Eisenman, Joshua, Eric Heginbotham, Eric. Mitchell, Derek. (2015). "China and the Developing World: Beijing's Strategy for the Twenty First Century". New York: Routledge.
14. Embassy of India, Beijing, <http://indianembassybeijing.in/economic-and-trade-relation.php>. available at 12/10/2017.
15. Godbole, Avinash. (2015). "Narendra Modi and Xi Jinping: Different yet Same?". Institute for Defense Studies and Analyses (IDSA). May 13.

16. Gottipati, Sruthi. (2014). "Modi says China must drop "mindset of expansionism" over Arunachal Pradesh," Reuters, February 22, in: <http://in.reuters.com/article/india-modi-china-arunachal-idINDEEA1L03V20140222>
17. "Global Opposition to U.S. Surveillance and Drones, but Limited Harm to America's Image,".(2014).Pew Research Center, July, 2014, <http://www.pewglobal.org/files/2014/07/2014-07-14-Balance-of-Power.pdf>.
18. Jakobson, Linda. Medcalf, Rory. (2015). "The Perception Gap: Reading China's Maritime Objectives in Indo-Pacific Asia". The Lowy Institute for International Policy. June 23.
19. Joshi,Manoj. (2017). "Why India should be wary of the Quad". Observer Research Foundation. Nov 13
20. Kapila,Subhash.(2016). "India's Foremost 2017 Foreign Policy Challenge: China-Pakistan-Russia Troika". South Asia Analysis Group .Dec 29. In: <http://southasiaanalysis.org/node/2103>
21. Khalid, Mahmoud. (2007). "Sino- Indian Relation: Future Prospects- Freindship, Rivalry or Contention?", Regional Studies. Spring.
22. Lal, R. (2006). "Understanding China and India:Security Implications for the United States and the World". London: PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL.
23. Moorthy, N. Sathiya. (2017). "Are we on the right path?", Observer Research Foundation. June 16.
24. National Bureau of Statistics of China,<http://www.stats.gov.cn/english>
25. Pant, Harsh V. Joshi, Yogesh. (2016). "The US Pivot and Indian Foreign Policy". New York: Palgrave MacMillan.
26. Pant, Harsh V. (2017). "Standing up to China: Modi govt has changed the terms of engagement with Beijing". Observer Research Foundation. April 7.
27. Rajagopalan, R. P. (2017). "How China's gamble in Bhutan is a sign of a bigger game". Observer Reaserch Fondation, Jul 19.
28. Rajendram,Danielle.(2014).India's new Asia-Pacific strategy: Modi acts East. Lowy Institute for International Policy.December.
29. Ranjan, Rajeev. (2017). "China's Strategic Access to Gwadar Port:Pivotal Position in Belt and Road". Rajaratnam School of International Studies (RSIS).January 6.
30. Saran, Samir.(2017). "CPEC betokens China's search for lebensraum in Pakistan and PoK". Observer Research Foundation. May 12.
31. Scott, David. (2015) "India's new trilateral with Australia and Japan: China-centric nuances," Centre on Asia and Globalization, June-July in: http://lkyspp.nus.edu.sg/cag/publication/china-india-brief/china-india-brief-54?utm_source=China.
32. Smith, Jeff M. (2016). "China-India Relations in the MODI-XI Era". US-China Economic and Security Review Commission. March 10.
33. Yuan, Jingdong. (2007). "The Dragon and the Elephant: Chinese- Indian Relation in the 21TH Century".The Washington Quarterly, Summer.

34. Yuan, Jindong. (2007). Sino-Indian Relations in the Modi-Xi Era. In: <http://www.futuredirections.org.au/wp-content/uploads/2017/02/Sino-Indian-Relations-in-the-Modi-Xi-Era..pdf> available at 23/12/2017.